

پایانیه طوب نه صد مراتع شد . ۵- تندگن مفترض خاص کن . ۶- از ترا افلاطون پر بیند که اگر از آن که چو خواهیز باشد
طبیت را اهل گنیز ببشت . ۷- المانیزک بیان عج و ذم نموده (اعلم) ای خواجه ضایا شده زندی تو خلیج باطلت تو سو نمایند (ام)
۸- از طلاب معلمان بادرثی خواز جمیع و خانع از اسکان بر قطب . ۹- دعا و شناسابسید و مکر شناد . ۱۰- دان بسیج بجه
شام و خلات و هنر نکاره (ننگ) دستگز بمن بنان است . شانع کن شانع کن (باشیع بجهجه) . ۱۱- اگر مکتب بنام صاحب شنکی
باشد مستغنا در سطحی و بردادی مفتو بذا صد پریس . ۱۲- ناس امتنید بایخ کن . ۱۳- بیدار فرانج باشد قلت طالود کند آن اگر سوی
دوی دارد باشد اصلاح کند . ۱۴- نام و اضدادشان خود را انتخیب نماید . ۱۵- برشت از سینی زنیزد مکنها اگر برازی بزگنمای خود
باشد . ۱۶- نام ابلو در رنج رپاک نگاره که بضمی گفت اند تزییع شد مداد است . ۱۷- باستفاده از خزان رانی « باستفاده از خزان رانی »

صنایع شعری و خطی :

بنیان ناصل . علی چو خوش قیمتان را بخواه . صنی اصطغفی خدا امام الانسان و این :

بساد سبزه گلد کوب شد بپای شاهد سبک عرفت عالمی اینس بحسبت . دین و دلگذر کر کر کر کش، ناگ، شرهست،
بروز خود کریانی گلر . چیزیا لیزو بجاش اینزه . من طلب فیروزه و میخ دهن قشع بیاد و خی و خی .
نیزک جیزکن ضدا مشارک زنگت کی غیر خاچیش فنگنگ فنگنگ تسدی بینا . در حافظ این خوش و طراحت این عبارت ا
آورده و گفت اینست بضمی بعل میرسلام بست میدند . در طلاب اینال است که این بگلات این حضرت گویی تصویف بجا و داشت
و صاعده در جای بزشت . غلو قدری ملحدی . تحریر تحریر بجهجه بزیر گویی خیر کن بیدار تیر تیر از .
پای زیده دی، بستنی پتم داده دستم بر گرفت . و چه کستنگ که استم بزمی کاستنی دست اگرفت .

بگز کرد میخت ببران مجذنان سنه . برب خیزان بیزان دار عیشت باده داشت بدلکن . نه شنین درین دانه برقانی هر یالی
رددند . دریشان دو شان چون پست خون بسته . پس ماز خانه بددم بگند . مادم پیمامن نمیم . نعم فهم نمیخونه . خالم حالم
نیپرس . بزادم بآدمم میشاده . خا همچو ابرم ببرد . پوشیدنی دوشیدنی تدریج باید . دریچ خانه . دسته از خزانی .
بیچ علی چنچی چنچی سین . ننگ باش . این ننگ رنگان رنگان رنگان رنگان . « خان ، بگ خوشی دیلان رنگان رنگان آنچه چنچنی
ب ترک ترک کرد و تا بک نزدک شاد . همراه خوده خوده بجهجه .

تہیش تام - ایغوال سای وغزال سای بین کبری پنک بیلک اند و غزال برازی

بین اپسین داده سای بیسا روکت خورد بین + پندان غرگست زدن و ده زندان کت زنان اردو ملک سرمه
علم بد په ادیت پتشون نکار پیغاش و نکار آن پوچش نکار زین پوچش پیغاش نکار اگزی بینی پس په صور پیغاش نکار
مرجان په ملخ مرجان را خوت یا قوت نهمن ملب لر خوت قبان دقام بقام گندمی کن تدت گرسشم از نخوت

شر مابع الخوف : اثر صفت غم عشق خطت نمود طوکی جسته ابتدا «الله بنده بری»
نایخاده معروف حرف آخر نه دال مبر است «نم»

المسترام : الترام بیم - محمد الجعی الحبوب من طلب یعنی کفر میں بخدا و من فهم

موی سما بیوی ما بیا به بی او بزم موی بزم مادی به مائیم و می دان سما بیا به ما سما دن بیا به
من ایل سده می سلس بزم مفتوح میان مکش مردمی می بزم و میان میزان دام من مک مک مکان سکیم
مرمیکیت میں معا مرکسیل محبت میرزاده «الله بنده خواست»

الترام بیم - در سای سعدی برازی بستان از ساقی سیاقی ساز بستان

الترام بیش (جایتم) - پیش کر پیش آن پر جیش افراز از پیش پر پیش من پیش افراز
پیشی شد و بر دو پیش من پیش افراز «الله بنده خواست»

الترام بیم - دنیا هم پیش دکار دنیا پر پیش ای توحی پر جسم بیچ بای پیش میت «الله بنده خواست»

تمام مغوط : زن زنی زیب تمنی زنی برجی زیب بزر بجهت زینت «الله بنده خواست»

زیب بتنی پشت میشی زین زین بنت تجنی تخت بتنی بیش بین «الله بنده خواست»

کی زنگی مغوط : بخت مملو تختت نمیمه بخت ملوح جیث نوک «الله بنده خواست»

نقطه بر داد : تا دشنه فرده داده دال نمکش دخون شانه هیل + نقطه دزیر : پر و کبر سیم و داده سای

پی دیلی چادم کم بود سای «الله بنده خواست»

نقطه : کرد کار کرم مردار دنیا کرد کار کند مکم تک علاوه طارع و علوم و معرفا شاکیح داس خود هیل علم

کلام او بجهت مخلل در هر حال نموده اند اعلایی هال و هر دو هم دارند اما هم این دو دلکت اند من
«اگر این خواست»

(او عالم و علم بروز عالم دارد علم ملک و علم رسول هم دارد هم ملک کرم دارد و هم علم هم علم و کرم و کمال آدم دارد
«اگر شیرازی»

قلب : قلب کلامی - رایی تو پیر صواب داد تو محض داده نیخ و حقیقت حسود ضیافت تو فیض مراد

قب سحری - (با غرش و نیز مسیدیم نین بوش نهاد) (بازگر سیبرد بدم با بدینی برگ از آب)

» » - (شمشمه ببل بسب هر چوکش) (شکر بر زادی وزارت برگش)

قب شعری - (مودنه ندو مر لیکل هول ره لکل مودته ندو مر) «نوح این ایوانی»

عکس : رق الزجاج در قت المخر فتشابه اور ناکل الامر نکان اخمر و لامدح و کمان اندخ و لامدح

کلام الملوك ملوک الكلام ، عادات ایادات سادات العادات پکت الایسا بجای الکن

مُؤْشَحَ - بنام محمد (ا) هشتنق دلم زیر ازاده بخت هیران شدم و کنم تکریه است هیکلین تن زین بزنش داشت پوت هشتم دوزن شن

«؟»

صنعت مقطع و موصسل :

(به معروف از هم جدا) - (به معروف بهم پیوست) مثال (زده و اخ در دری ندو ذرا م زردی د رای او آزمادم)

: (منش تعلق چشمیم چشم) + داشتر دین منش مقطع و موصسل چاره است :

(ایی در دل آفر زده از زخ آذ) (مانی بر مرکز خدا تو چاکر) (غیر چنان جهد گفت گلاک قدا) (شکل گشت بشکل چیز غیر)

که درین باعی مصراح اول مقطع دصلیق آب و حرف موصسل و مصراح سوم و چهارم برد چند درف موصسل است . «لطف»

درین اشاره جامی هر بیت پنین آمده است :

به مقطع - زنخ زده دام ز دوری آن در زده و اخ در درم درون آن آذ
پیچ نمی بینم

دو ده ده موقله - چ من کاست کوئی شب فرقه مرد و که باشد بین کوئه لاغر
پیچ نمی بینم

سرعنی - خلت خنجر چه گفت شکل بخت فت سیم نهارت تک شکل
چادر عنی - بجنب فسیم سیم بخت بست مملأ نسبت محقر
پیچ نمی بینم

این اشعار بد مثال است (امن بیان نام کلمات آنها مغلوب نشد، این سخن است منشار نیز نکند اما به نسبت
که چون پیوست گذشت بگل ازه نماید) : ۱- سمت پیش پیش بق نیست پیش پیش نیست نیست
 سمت پیش پیش بق نیست پیش بق نیست نیست نیست نیست
(علیم پیش نیست)
(غیر پیش نیست)
 (ست غصی بگی بیت نیست بی میب پیش بگن خلاشت نیست) ۲- سمت می می بست سیم
 گشته است چغیز ب مرضیم ۳- (نمم مضر مضر است عین من نیم کن کن کمن ستم عین) ۴-
بخل لطف است چغیز ب می بگشته هست
چغیز ب می بگشته هست هست غریز ازه
 اشعار و عباراتی که برای تبرین و آرایش قدرت قلم بکار می آید :

فر و گرد کنی بابان دان و کوه داد غم بر دم با وقف بتن فوند
 ناز بر غواص دلاشد هسپه مینی هوا سوز همین پیش از مریع چشم
 عینی کرد و بسته د پر زده راه شیخ شنیده بورسان را نهیز بشیر
 کوز که نیشن امشاد دن و بسته اند همین تزییں می میکنی هی آنین فیض
 بوسن غم و هف ای دیز در پاچ ب زنگی م دیگر کام و بوجا ب محی باغ
 بروش پیشی شکون شوچ گذاشت بی پرا سجن پار و خوش آشنا نیز همیز
 سمن خون م سمن بون م سمن و م سمن سیما

پر کی سمع پر کی د پر کی هچ پر کی هچ کی
 تر و تریب از طوب از طوب تر و تریت
 تر و تریت خوش جوش خوش جوش لیش شکر

کفر نگمین دل نگمین خط مشکلین لیش شکر
 بخواتون ربو سون بخشن تن هر

و تر و تر د گرد و زنگ
 پلند گله ب پلند ب پلند ب پلند ب

زمش چون ردا نو داد شعا دادم بر یکندی هست نیز هست حقی نیز هست
 ایکن باز داشدم کسان ما نهند بلطف طبع مبانی شنای کشن ازه

ع- خط و نهاشی و قطعات مختلف :

با برخانی که خط و نهاشی ارتقا دنده ای دارد و نهاشی و خط از این اقسام در هشتاد و هشت که اتفاق نماید است
که استادان پژوهشگران این اینستیتیویت آستانه را میزند. این اینستیتیویت علاوه بر شکوه و برجستگی قطعات خود دارد.
از زیرین خط و درآیینه نهاشی ساده ای ممتد دارد. از قرن سوم و پنجم هجری بهترین خط کوئی قوام بازیگران نهاشی کرید که
صورت ای منزع و کوکوئی از آن مشاهده شده است. کاربزین نهاشی و خطوط در جریب که بعد از کوئی پیدا شده و هر چند در طرف زدن خود
بکال و پچکی سیده و بد نیز تغییر یافته است. استادان باید تپنگ و ابزار و ایجاد شاگرد های مانند آنها این آثار استند، و چنانکه
در خاور جد او آن طرز خط از شان دارد و اینکه در خطوط نهاشی ای صورت هزار است بطریق این قیمتی (متراکم)، قوامان، مرضع.
مت اخون شبک نهاشند و همچنین این اخون خطوط را از کوئی کرده تارقد و نکت و قابلهای اشکال مندسی (دارید، بیضی) برخاست
. چند ضلعی و هندسی و اشکال زندق، لکمان، تغیل و بصورت پرده لکمان و غیره دارد.

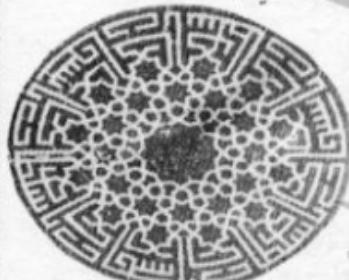
وقتی ما بر روی اینگونه قطعات دقت کنیم و بینهم می بینیم از رسال خارج نمیشند یا جنبه خطی بعض قطعات
برخان یافته و نهاشی و زیرین ایجت الشاعر قرار دارد است. و چنان نهاشیش مشترک جعب توچیکند، و یا اینکه هر دو جنبه حالت
تمادی و تسامی دارند و هر دو فن در یکجا آهنگی علیمی پیامده و یکی گرامی نواند.

در هر چیز از این حالت که باشد میگیریم ایستاده هنر آن، اصولی را در نظر گرفته و هنر فیصل و ایشانه است آن این است
که از این جبارتی از قبیل سعاد و قدرتی با آفیت فرقانی یا حدیث و اندیشه که مشهور و متبادل باشد با قابلهای مناسب (تبادل ایان مخلص)
در نظر گرفته باشد؛ آنست باشد و نهاشت و کثیف و سلسله و عینیم آن جزو... را در قالب نهاد و کشتن قرار دادن، که نیسته آن
بنسبت اینکه ایمان بنای موده چوک شفیقی بناست، هدف خود را ایراز و نهاش است یا اگر بعد از بصورت تاج یا پرده میگرد
زیست و از ایش منسی و تحقیق و بررسی را از قبول هر آن کیست بزرگ اراده نموده است. در پی بصورت بدون هدف و غصه و می
و بجهت ایست بنیان گار نیزند و وقت گرانهای اصرف عیشگاری نمیگند.

نهایاً هم آهنگی میان خط و میان نهاش و زیرین را از نظر طبقه های اعماق میکند که برطبق توادیں و هنر - تامه بخان - ایکار

در دو شیخین بروانی ذوق‌های سیم و پنجمیه مطبوع قرار گیرد . شماق طوری مبارت خواهی‌جاذب کرد و مقدمة از اذکار کار سیم و نهم و خلاصه منشود به :

غُلَامِ فَيْ كَوْدَانِجَاهِ كَرَآمَهَ هَسْتَ تَعَذُّبِيِّ اصْوَلَ كَفَرَتَشَهَ رَاتَانِيِّيِّ سَكَنَهَ آنَهَا رَاجِنِيَ :



اقواس از ای بسته‌فی



شعل از کتاب براج‌الله



تریم عاتی از مل نیازی بسته‌فی (کوئی پیچی فرع مسل)



Clerical National Museum, Cairo, E.G.P.
HIBRAB, STUDIO KELSEY, FROM RATTI, vol. 3, 30

خواب پی بی‌پاری مشق بردن - هجری



الله

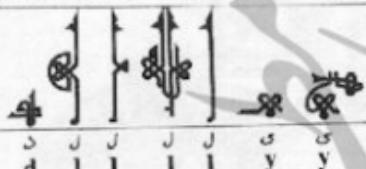
يَسْرُك

و

بِعْدَه

هَذَا

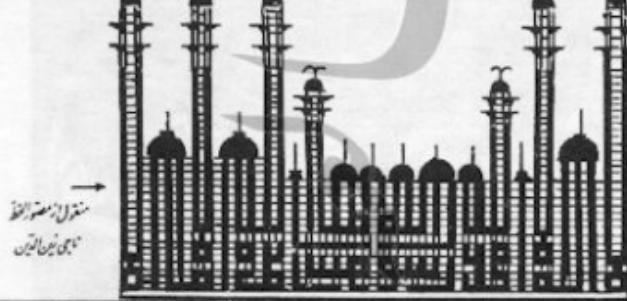
هَذَا



ك

ك

ك



شیوه مسجد
نمای از نمای

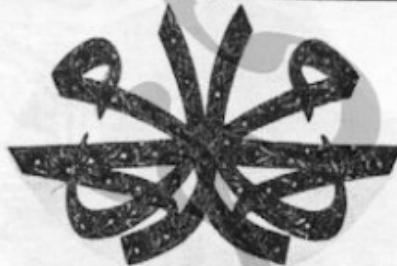


طَهْنَادِي بَشْتَانی بَارِس
زَسِيمْ يَاهْدِ خَرْم
مَوْنَتْ كَاهْ بَهْرَقْ خَلْدَه
عَلَى طَهْرَانْ وَزَرْنَهْ خَلْدَه
دَانْلَهْ شِيزَر



مخطوطات زمانه با رسالت ایشان

ابوالفضل احمد بن علی



أشهاد ولى (ابن اد)

الطباطبائى وصالحة زوجها



«ابن ابي طاف»



«خوشیانی»



«ابن ابي طاف»



طبع و توزیع مختاری
١٣٩٦



مَرْسَىٰ الْمُكَلَّبِ الْمُهَوَّبِ

أَنْجَلِي

Calligraphy

أَنْجَلِي

بَلْ



دیکشنری ۱۹۹۰

فَوْقَ

الله
بِرْ



«جیل سالی ترکیز مادر»







بیانیز نماین
پیش از میانیز

بیدار دارند که در

این را بیان نماد و خود رشت عقل باز نهاش دست بود و شمیر از مردان میان

خدای را هزاران سپاس کرد و فتن بخش تاریخه تو زانی کاشیده جلد دوم پلکن خدا بپایان رسانیدم و با احده آن چشم
بزرگ دسته ای و هنر جهان، خدمت و سالست خود را در ترویج و روشنگری خطوط هسلامی این کرد و ام، ایده است
بعین الخاف و آن که ریست این بودی را پذیر نم که «آن المصطفی علی قدر مهدیها» ۴

الحمد لله أولاً و آخرًا و صلى الله على محمد وآل محمد الطيير الظاهرين

«حبیب اللہ فضائل»

روز جمعه شنبه ۱۳۹۶ بهادری آذر سال ۱۲۵۵ و چهاردهم خرداد ماه ۱۳۹۶ انجام داشت

فهرست راهنمای

- T**
- اصل تلقیق مکتوب با ملحوظ ۳۳۱
 - اصل رعایات اصل کلمه ۳۳۰
 - اصل بیکواخنی و شمول ۳۳۲
 - اگهه تبریزی ۴۰
 - اگن هرودی ← اگهه تبریزی ۶۷
 - افلاطون ۴۷
 - اقبال آشنازی، عیاض ۴۵۱
 - الیان والتسن ۴۳۳
 - الپیر ۱۵۶
 - الدریعه الى نسایل الشیعه ۴۳۵
 - الشیعه و قرون الاسلام ۴۳۵
 - الحكم في نفع المصالح ۱۰۵
 - المصالح ۱۵۶
 - المصلح ۱۵۶
 - المفعع ۱۵۶
 - الشریعه قرآن العصر ۱۵۶
 - امام جعفر صادق (ع) ۳۰، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴
 - امام حسن عسکری (ع) ۴۳۲
 - امام محمد باقر (ع) ۴۳۱
 - امانی فارسی ۳۲۳
 - امیر الكتاب ۴۷۸
 - امیری فیروز کوهی، کریم ۳۴۹
 - الس ۶۳، ۶۲
- A**
- بایانه اصفهانی ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۷۸، ۷۸، ۱۰۶، ۲۷۰، ۲۷۸، ۳۶۸، ۳۶۸
 - باختری هریز ۴۶۷
 - بداع الخلد ۲۵
 - برلح ۵ من حل ۳۸۹، ۴۴۲
 - بودی، ابراهیم ۴۷۸
 - بینتان، احمد ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۴۵
 - بهی زدن لینه و مرکب ۵۵
 - بان الادان ۴۳۲
 - بانی، مهدی ۴۶۸
- B**
- بارجیه دو رویه ۵۵
 - بیکاسو، یاپلو ۴۴۱، ۴۴۲
- I**
- ابراهیمیان محمد شیپان ۶۰
 - ابراهیمی صدری ۲۴۳
 - ابرشکار اصفهانی، علی ۴۸۰
 - ایرانهای خوشنویس ۵۹-۵۵
 - انسد ۲۱۲
 - ابن باجه ۷۲
 - ابن بابوی ۴۲، ۶۶، ۶۶، ۷۲، ۷۷، ۷۷، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۱۸
 - ابن ساختن ← ابن باجه ۲۵۱-۲۵۸، ۲۲۶
 - ابن مثله ۵۹-۵۹، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۲، ۷۸-۷۵، ۸۷، ۸۷، ۱۵۳، ۲۶۲، ۲۶۲
 - ابوالباسی علی بن هلال ← ابن بابوی ۱۵۵
 - ابوالعلی محمد بن الحسین الملولی ۴۳۲
 - ابوسعد ابوالآخر ۴۶۰
 - ابوحنی محدثان علی بن حسین بن مثله ← ابن مثله ۱۵۶، ۱۵۵
 - ابوسعید الدائی الدلسی ۲۹۵، ۲۹۶
 - احمد غفاری ۹۰
 - احمد لیر بزی ۴۶۷، ۴۶۷
 - حوال و آثار خوشنویسان ۴۲۹
 - از جوهره سنجاری ۴۵۰
 - ازشداللوب دیلمی ۴۹۵
 - اسحال ساواشان ۴۷۷
 - الشارع و جمله‌ها برای قلمه‌لویسی ۴۶۶-۴۶۵
 - از ماقبل ۴۵۴-۴۵۴
 - از سعدی ۴۴۵-۴۴۷
 - از خلی (ع) ۴۵۰-۴۵۰
 - از محمد (ص) ۴۵۱
 - از هماران ۴۶۳-۴۶۳
 - اشتری چخون هرای ۷۶۸
 - اصل الشیعه ۴۴۵
 - اصول خوشنویس
 - اصل اقبال و الفیال ۳۲۷
 - اصل اختراز از النیاس و اشیاء ۴۴۴
 - اصل اختیار مشهورتر ۴۴۱
 - اصل تبدیل و تخفیف ۴۴۰

- ٦
- خلطف ٧٩٢-٧٥
 - خشائط ٧٥
 - خوشنویس ٣٥
 - دوران ٤٦٣
 - دستگله ٤٦٧
 - پاسکالداران - اسلامی ٤٦٧
 - اسلامی رایج در ایران ٣٦١
 - سواق ٢١٥-٢١٢
 - مفاسده ٢٢١-٢٤٥
 - شناخت آنها ٢٢٢-٢٨٥
 - هشتگاه اسلام ٢٨٧
 - خوشیسان ٤١٤
 - خوشنویس ٣٨-٣٥
 - و شرایط آن ٣٩
 - و مراحل آن ٣٩
- ٧
- داوری - محدثین وصال شیرازی ٤٦٧
 - درویش عبدالجید ٦٦، ٢٠١
 - ذفرجه حاج حبیم ٢٥٥
 - ذفرجه محمد عزت ٢٥٢
 - دروات (لغه مرکز) ٥٥
 - در گرفتن - ٥٩، ٦٨
 - دهخداه علمی اکبر ٤٤٢
 - دیواری > تعلق ٣٠٥
 - دیوان چلی ٣٠٥
 - دیوان خلق ٣٠٥
 - دیوانی و هنرمند ٣٠٤-٣٠٦
- ٨
- راجحة الصدور ٢١٦
 - رازی، ابویکر بن محمد زکریا ٤٣٨
 - راویان ٢٢٦، ٢٢١
 - رسائل اخوان الصناعة ٧٦
 - رسالت هر ٣٢
 - رسامة جعفر باستانی ٢١٣
 - رسامة جعفر باستانی ٢٧٦
 - رسامة خط آقا رضی الدین فروزن ٣٥٨-٣٥٨
 - رسامة خط آقا رضی الدین فروزن ٣٦٣-٣٦٦
 - رسامة نساذالدین محمد سوپین المقصدی ٤١
 - رسامة نساذالدین محمد سوپین المقصدی ٣٦٨
 - رسامة عبدالله جعفری ٤٤
 - رسمه الخطاب معجون هرآل ٢٢٩
 - رسمه کتب مصطفی ١٥٦
 - رفاقت ٢٩٣
 - رفاقت ٣٥٦
 - رفاقت ارسن ٣٣
 - رنگ آمزی ٣٩٢
 - رنگ گلگون ٣٨٤
 - رنگ و روغن ٣٩٨
 - رنگیان دیگر ٣٨٥
- ٩
- تاریخ الخط العربي و آزاده ٢٥٠
 - تبریزی، ظاهر ٣٩٦
 - تحفة اولی الالباب ٧٢
 - تحفة حکیم مؤمن ٣٥٨
 - ٣٦١-٣٦٣، ٣٦٦-٣٦٩، ٣٦٩، ٣٧٧
 - ٤٠٠، ٣٨٢، ٣٨١
 - تعلیق ٣٩١-٣٩٩
 - تقدیر ٥٦
 - توقيع ٦٩٤، ٦٩٣
 - توسلی، کون ٣٢، ٣١
- ١٠
- نکت ١٢٩-١١٤
 - نعلیم خط - ١٢٩
- ١١
- جاذبل ٦٩، ٦٨
 - جامع مهاتم طیبی ٥٩، ٢٤٨، ٢٤٣
 - جامی، عبدالرحمن ٤٩٠
 - جاووسازی ٣٩٦
 - جدول ذوق ٤٠٠
 - جدول سلطنتی ٤٠٠
 - جدول منش ٤٠٠
 - جدول مقاصد خطوط ٣١٣
 - جضر پائستری ٤٦، ٦٨، ٥٩، ٥٩، ٧٨، ٧٥، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٤، ٢٨٨
 - جضر پائستری ٢٢٨، ٢٢٧، ٢٢٦
 - جعفر تبریزی باستانی <- جعفر باستانی ٣٥١، ٢٩٤
 - جمال الدین باقوت <- باقوت مستحسن
- ١٢
- حائزی، علی ٩٧٦
 - حافظ ابویکر عبدالله سجاتی بن ابی داود ١٥٦
 - حافظ اسپهانی ١٥٦
 - حافظ شیرازی، شمس الدین محمد ٣٣٥
 - حجازی، محمد (طبع الملوک) ٤٦١
 - حیدر حسینی ٢٢٥
 - حیدر جلیلویس <- حیدر حسینی
- ١٣
- خاقانی شروانی، افضل الدین ٤٢٣
 - خلاطیز ٥٥
 - خالد بن ابی الہجاج ٧٥
 - خالدین سعیدی العاص ٤٣٦
 - خزانی ترقی ٣٤١، ٣٤١
- ١٤
- خط الواع - ٣٢٢-٣٩٣
 - اهمت - ٣٧، ٢٢، ٢١
 - از سیاست - ٣٩٦
 - درجات و مراتب - ٤٥

- رئيسي سريشنى ٣٩٦
روشن كمان ٣٩٦
ريحان ٢٩٦
- زنون خط، حسن ٤٤٦، ٤٤٩، ٤٧١، ٤٧٠، ٤٧٤، ٤٧٥، ٤٧٦، ٤٧٨، ٣٨٨، ٣٨٩ - ساختن ٣٨٨ - زيرىستي ٥٦
- ص صادقى ٤٤٦
صادقى ياك <- صادقى ٤٤٦
مبيع الاشتياى ٧٧، ١٥٢، ٢١٣، ٢٥٠، ٢٤٨، ٢٩٣، ٢٩٥، ٢٩٩
صراحتا الشفورة (صرافتالخطل) ٢٦٨
صلفا ١٥٦
- ف فتح الدين محمد <- محمد يوسف بن المقصود
- ط ظاهري، محمد عثمان ٤٧٨
- ع عبد الرحيم انيس خوارزمى ٤٢٩
عبدالرشد <- محمد ديار مازندرى ٤٢٩
عبدالكريم خوارزمى ٤٢٩
عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب ٧١
عبدالله مصطفى ١٥٤، ٢٢٧، ٢٢٨، ٣٥٩
عبدالمحيد (الطالب) <- درويش عبدالمجيد ٤٣٢
عيان الانوار ٤٣٢
عبدالله بن ابي رافع (كتاب على) ٢٣٦، ٢٦١
علي (ع) ٣٣٥، ١٨، ٩، ٣٦، ٧٥، ٧٦، ٢١٢، ١٥٢، ٢٢٦
علي ٤٥٦، ٤٣٦، ٤٣٩، ٤٣٩
علي بن هلال <- ابن رواب ٢٧٧
علي تبريزى ٢٥٩، ٤٤٦، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٦٨، ٢٧٣، ٢٧٤، ٣٧١
عليزضا تبريزى ٤٤٦
عليزضا عباسى <- عليزضا تبريزى ٤٤٦
علي محمد ٢٠٢
علي هروي ٤٦، ٦٢، ٢٧١، ٣٧٥، ٣٧٦، ٣٧٧
عماد الكتاب ٢٠٤، ٤٧٣-٤٧٥، ٤٧٦-٤٧٧
٤٨٢
عناد سليمان <- عمر عثمان ١٥٦
عنوان الدليل في رسوم خط التتريل ١٥٦
- خ شبار ٤٩٥
علام رضا اصلپاشى ٤٧٤
- ف فتح ٤٦، ٥٣
فرانك ٤٣٢
فردوسي ٤٣٣
قرصت ٤١٨
قرست للهوى <- قرصت
فن الخط سيدابر الهيثم ٢٣٣، ٢٤٨، ٢٥٠، ٢٥٩، ٢٦٧، ٢٦٨-٢٦٥
قوائد الخطوط ٥٩، ٦١، ٦١، ٢٨٢، ٢٨٠، ٢٨٣، ٢٨٨
- س سر لوجه و حاشية ٣٩٣
سفدي ٤٤٦، ٤١٧، ٤٢١، ٤٢٣، ٤٢٥، ٤٢٩، ٤٣٥
سبیداب ساختن ٣٨٩
سلطان على مشهدى ٣٦، ٤٢، ٥١، ٥٥، ٤٦، ٤٤، ٤٥، ٣٩، ٣٧، ٢٦٢، ١١٢، ١١١، ٨٤، ٧٨، ٦٦
٢٦٣، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٦٩-٢٦٨
٤٦
سلیمان ٣٩٦
سالان ٤٣٨، ٤٣٩، ٤٤٦
ستك رومي (با جهازي) ٥٥
ستلاح ٤٧٧، ٤٧٩، ٤٨١
سن ابر نادر ٤٣٣
سياق ٣١٩
- ش شأن ١٥٧، ١٥٨
شاهامة باستغرقى ٢٦٨
شستر (تنع) ٤٢٣
شمنان ٣٩٧
شعراى، ابوالحسن ١٥٥
شيعى، احمد ٣٦٦، ٣٦٣
شققلى ٦٢
شكسته ٣١١
تعليه خط - ١٩١
شمس الدين محمد جزوى ١٥٦
شجر (شکرگى) ٣٨٢
شہاب الدین احمد بن شافعی مصرى <- قلقشندي
شہابی، علی اکبر ٤٤٢
شہر بار، سید محمد حسین ٤٦٠
شہوہ قدری و جبار ٤٨١، ٤٨٣، ٤٨٩
شہوہ علی هروی ٥٣
شہوہ گلپور ٤٧٩، ٤٧٥، ٤٨
شہوہ میر علاء ٤٨
شہوا علی ریزی (با ایرانی) ٢٩٧، ٢٩٦
شہوہها ٤٧
شہوہ یاقوت (با عربى) ٢٩٧، ٢٩٦

٣

كلستان سعدى ٤٢٩
الكتاب، على أكبر ٢٥٣
كلستان غفران ٤٤٦
كتاب ٣٨٨، ٣٨٩، ٣٩٠، ٣٩١، ٣٩٢، ٣٩٣، ٣٩٤، ٣٩٥
كتلستان غفران ٤٢٧، ٤٣٦، ٤٣٩، ٤٣٩

ل

لماكنت الطوابق ٤٤٥
لغاني ٣٨٢
لغات تأله ٤٤٦، ٤٤٧، ٤٤٨

م

ملائكة دينيس ٤٦
مجنون هرافي ٥٨، ٦٢، ٢٢٩، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٥
مجنون ٢٧٩، ٢٧١، ٢٧٥، ٢٨٧
محفوظ و ثلة ٢٨٠، ٢٨٨
محمد ٦٧
محمد آلمان ٢٢٢، ٢٢٣
محمد باقر مازنوري ٤٥٩
محمد بن حسن سنجاري ٤٥١
محمد بن حسن حسني سفياني قرويسي ← مير عماد
محمد بن علي بن سليمان راولوي ← راولوي
محمد بن عاصي شيرازي (داوري) ٤٥٤، ٤٥٦
محمد بن يوسف "كبوش شافعى ٤٢٣
محمد جعفرى تم برى ٥٣، ٥٦
محمد حسنى سيف قرويسي ← عماد الكتاب
محمد شمس الدين ٤٠٢
محمد طبلة سلطلاح ← سلطاح
محمد يوسف بن المقصود ٦١، ٢٦٩، ٣٦٧، ٣٦٨
محمد يارزيرى ٣٦٦
مدائى ٦٨
مدادات ٩١
- أصلنى ٩٣
- زائد ٩٣
مدادات الخطوط ٤٦، ٤٦، ٣٨٣، ٣٨٧
مرگب (مداد) ٣٧٥، ٣٧٦
منظمه ٥١
مسلسل ٢٩٥
مشجر و سرور ٤٨٩
معدور الفاطم ٣٥٦، ٣٥٥
عقلمن ٢٢٦
عنين، محمد ٤٤٢
علاء الدين في علم القرآن ١٥٥
عذبة ابن خلدون ٧٧
عولوي ٩٣٥، ٩٣٦، ٩٣٧
مير إبراهيم شنسى قىمى ٤٠١، ٣٧٦
مير خالى، حسن ٤٧٣
مير علەى تېرىزى ← على تېرىزى
مير علەى هەروى ← على هەروى

ميرزا ملا مرضا ← ملا مرضا اصبهانى
مير عتماد ٢٠، ٤٦، ٥٣، ٤٦، ٤٦، ٤٧٦، ٤٧٧، ٤٧٨، ٤٧٩، ٤٧٩

فاتق ٥٥
فاطون الصور ٣٨١، ٣٨٢، ٣٨٣، ٣٩٦، ٣٩٧، ٣٩٨، ٣٩٩
قبل الكتاب ← بابوت مكتسى
قبل زن ٥٥
قبل قلم ٦٦، ٦٧، ٦٨
قبلتشىدى ١٥٧
قليل ٥٩، ٥٧، ٥٥
برداشتىن روپى ← ← فتح
برشت بردارى ٦٧، ٦٦، ٦٧
تراسيدن بېلۋەھاى ← ← نەت حواشى
تراسيدن ٦٥، ٦٩
تراسيدن سەر ← ← قىل
پەيدەت تۈركىز ٣٩٧، ٣٩٨، ٤٠٧
قىلىنەت ١٨، ٤٦، ٤٧، ٤٨
قىلدان ٥٥
قواءد الخط هاشمى محمد ٢٥٥
قواءد جەھىز باستەغىر ٢٢٧
قواءد كەلىمەتكەل ٨٦
- أصول ٨١
- ترکىب ٨٩
- كرسى ١٥٣
- لېست ٨٥
قواءد، كەلىمەتكەل ٧١
قواءد مجنون هرافي ٢٢٧
قواءد مەددىن دوست محمد ٢٢٧
قواءد و تعلم راولوي ٢١٦
قواءد و تعلم عبد الله صيرفى ٢٢٥
قواءد و تعلم عبد الله شيرفى ٢٢٢
قواءد هەشكەلەنە باقۇرت ٢٦٩، ٢٧٦، ٢٧٨

٤

كلانز ٥٦، ٣٥٦
آڭارادان و سەير زەن ـ ٣٧٠، ٣٧٦
ساختن - الوان ٣٥٩
سازى ٣٥٧
كىرس، على أكبر ٤٢٦، ٤٢٧، ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٢٩، ٤٢٩
كتاب ٣٣
كتاب شەپىر ٣٤٦
كتبه تڭارى شەپىلەتلىك ١٣١
كتىشىڭارى و كىتىھا ١٣٠
كتىس خط ١٥٦
كتىشەلتىن ٧٧
كتىرە، مەددىش ٥٥، ٤٢٩، ٤٢٩، ٤٢٩، ٤٢٩
كتىرەتتىقىق ٤٢٣
كتۈلۈ ٢١١

ئالادى، سەيانا ١٥
ئازاز مەنە ٣٥٩، ٣٦١، ٣٦٣، ٣٦٦، ٣٦٧، ٣٦٩، ٣٧٠، ٣٧٣، ٣٧٤، ٣٧٥، ٣٧٦
ئازاز ٣٨٢، ٣٨٣، ٣٨٤، ٣٨٥، ٣٨٦، ٣٨٧